

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

سروش

۲۷ جنوری ۲۰۲۰

با هفتم دلو، سی سال از جاودانگی «رهبر» گذشت!

امروز هفتم دلو ۱۳۹۸ شمسی مصادف است به روز تلخ و جانگداز جاودانگی «قیوم رهبر» طلایه دار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما). درست سه دهه از آن روز گذشت. بدین مناسبت، برای تکریم از شخصیت، کارنامه فنائپذیر و خاطره جاودانی این پیشتاز ره خلق، لحظه ای سکوت نموده و آن جنایت نابخشودنی را تقبیح و محکوم می کنیم و بر قاتلان رهبر آزادگان که هنوز دست از جلادی برداشته اند، ننگ و نفرین می فرستیم. در پیشگاه خلق ستمکش، انقلابیون و آزادیخواهان کشور تعهد می سپاریم که تا خون در تن ما است، بدون توجه به چوبین پای بودن و تزلزل رفیقان نیمه راه، با چنگ زدن به اندیشه انقلابی، با تعهد به آرمان و تجمع در سازمان شان؛ راه «مجید»، «رهبر» و سائر رهبران و همزمان جانباز خود را ادامه می دهیم.

آری رهروان راهی که با خون سرخ بزرگان ما رنگین شده است، رزمندگان آگاه و وفاداری هستند که به آرمان و خط فکری – سیاسی که مجید آن را طرح و «رهبر» از آن حراست کرد، در وجود «ساما»، متعهد شده اند. بر ماست تا در بزرگداشت از سی امین سالروز جاودانگی زنده یاد «رهبر» در لاله زار خونین جانبازان سامائی و غیر سامائی در یک کلیت به هم پیوسته تشکیلاتی با روحیه پرتحرک مبارزاتی آگاهانه به دور خط برنامه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان همگام با روند تکاملی و طبق نیاز های مبرم روز جامعه خود جمع شویم. فقط با تکیه بر وحدت و جمعگرایی در چهارچوب خط مشی مطروحه و اصولیت هاست که می توانیم بر کثرت، تفرق، انحراف و تکروری های فردگرایانه غلبه کرده و شایستگی و توانائی ادای نقش تاریخی خود را یافته و در همصدائی با سائر نیرو های همسو در یک کیفیت نوین، عرضه رهبری و بسیج توده ها و تمامی احاد جنبش آزادیبخش را با دورنمای روشن، کسب کنیم.

فقط با شعار یا مرگ یا آزادی در یک انسجام انقلابی و مارش تاریخی زحمتکشان است که با فروریختاندن بنیان های ستمگستران متجاوز و وحشیان ادوار بربریت، کشور اسیر و خلق عذابیده خود را آزاد و سپس به رفاه و شگوفائی برسانیم. در پرتو دیدی روشن از تئوری های علمی و رهنمود های «رهبر» که ما را به کسب بینشی ژرفش و روشی آزموده یاری می رساند، در جهت تحقق این آرمان سترگ در مسیرت آزادی و تعالی به سوی جامعه ای عاری از هر نوع ستم تا طرد کامل اشغالگران و زائیده شان و استقرار نظامی مبتنی بر منافع اجتماعی محروم ترین طبقات جامعه خود به پیش می شتابیم. تأکید بر این مواضع، مؤید این حقیقت است که خونبهای رهبران سترگ و فرزندان پاکباز و سرفراز این میهن را هرگز فراموش نکرده ایم.

و اما در باب شخصیت مبارزاتی زنده یاد «رهبر»:

رهبر یک شخصیت علمی، سیاستمدار، حقوقدان متخصص در فرهنگ و زبان شناسی شرق و غرب، ادیب، شاعر، نویسنده، سخنور و در یک کلام شخصیتی همه جانبه در جامعه افغانی و در سطح بین المللی شناخته شده بود. او برای آزادی از اسارت و بردگی، برای رفاه محرومان، برای درهم کوبیدن قشون متجاوز روس و درخیمان "خلق پرچم" و گسستن زنجیر بردگی معنوی خلق افغانستان از اسارت ارتجاع دینی و مذهبی جانش را نثار کرد. بینش و دانش و درکی که از اوضاع جاری کشور و جهان و مناسبات حاکم بر آن داشت، او را واداشت تا با تحمل دشواری ها و مصائب همزمان با جوشش ها و خیزش هائی که قلب مردم افغانستان را علیه متجاوزان سوسیال امپریالیسم متجاوز روس و جلادان میهن فروش "خلق و پرچم" به تپش آزادیخواهی و حرکت آورده بود، برای انسجام بخشیدن تشکیلات "ساما" در کارزار مبارزاتی بحق خلق افغانستان پا به عرصه مبارزات سازمانی و جبهه ئی نهاده و با طرح ها، تحلیل ها و رهنمائی های دایهانه آن ایثارگر بود که سازمان آزادیبخش مردم افغانستان چون کوه استوار مانده و بر انحرافات فکری - سیاسی چندی در ساحت ساما که خواست دشمنان خلق افغانستان بود، غلبه کرد. با این جان گرفتن مجدد "ساما" به یمن خدمات ارزنده و حیاتی «رهبر» بود که نبض جنبش آزادیبخش مردم افغانستان در میسرت آزادیخواهی و نبرد علیه دشمن غدار سرتاسر کشور را فرا گرفته بود و سربازان سامائی در هر گوشه کشور حماسه می آفریدند. حماسه آفرینی ها و جانبازی های سربازان سامائی در جهات شرق، غرب، شمال، جنوب و مرکز کشور افتخار آفرین شد. همت و شجاعت، استواری، انسجام و انضباط رهبری سازمان آزادیبخش مردم افغانستان تحت قیادت «قیوم رهبر» امپریالیست ها، مزدوران و جلادان خلق افغانستان، این دشمنان شناخته شده تاریخی را که هنوز هم دست از اشغالگری، کشتار، جنایت، ستم و ویرانی برنداشته اند؛ واداشت تا سی سال پیش در هفتم دلو سال ۱۳۶۸ش در شهرک حیات آباد پیشاور پاکستان با ارتکاب جنایت در تاریکی، سینه سترش را آماج گلوله گیرند و او را جاودانه سازند. مرگ و نفرین بر دستور دهندگان و مجریان قتل «رهبر»!

فراز هائی از نگاشته های «رهبر»:

"بزرگ ترین درس برای ما و نسل آینده ما و کافه بشریت تحت ستم و آزادیخواه تأکید بر این اصل جهانشمول است که "هرگاه ملتی خواستار زندگی آزاد و شرافتمندانه گردد، به طور حتم سرنوشت با آن همنا می گردد و هیچ قدرتی در جهان نمی تواند این مسیرت پرشکوه و پرجلالت را سد راه گردد. ولی آزادی از قید استعمار، چگونگی و آهنگ آن و این که چه چیزی جانشین آن می شود، بیشتر به ساختمان اجتماعی جامعه و الزامات خارجی محیط بر آن، ارتباط می گیرد."

"جنبش مقاومت ضد استعماری ما که به طور خود به خودی آغاز و تکامل یافت، از عظمت بی مانند و ضعف غیرقابل تصویری برخوردار بود. عظمت این جنبش بدان حدیست که باید بر تئوری جنبش های خود به خودی و تلقیات موجود از تجارب انقلابات و جنبش های سده های گذشته و اوایل سده کنونی تجدید نظر صورت بگیرد و اهمیت و توانمندی این نوع حرکت های اجتماعی باید با مایه جنبش افغانستان مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. ضعف این جنبش نیز بیشتر نه در فروکش دورانی آن - چنانچه در سوسیولوژی انقلاب های پارینه مورد بحث بوده است - بلکه بیشتر در امکان تهی شدن آن از جوهر هدفمند و متعالی آن و افتیدن در دام توطئه های یغماگرانه و ابتذال کاسبکارانه، نهفته است. به طور ساده، شکست امپریالیسم روس؛ نشانه عظمت جنبش مقاومت ما و عدم پیروزی مردم، جانب ضعف این مقاومت را می سازد."

"در هر جنبش ضد استعماری مسأله رهبری آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و رهبری سالم، خردمند و انقلابی مقاومت را تا سرحد یک جنبش آزادیبخش ارتقاء می دهد و بالعکس رهبری عقب گرا و وابسته، جنبش پرشکوه توده نی را به کجراهه و بیراهه عقب ماندگی و اسارت مخفی رهنمون می گردد".

آری، «رهبر» آزادگان در زمان حاکمیت خونخواران "خلق و پرچم" و اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس که کشور در میان شعله های آتش جنگ سرد دهه هفتاد و هشتاد میلادی می سوخت؛ علاوه بر پیش بینی شکست محتوم روس رهن و مزدورانش، تحرکات جاهلانه نوین ارتجاع جهادی و مداخلات و برنامه ریزی امپریالیست ها برای اسارت نهان یا آشکار را با تمام تبعات زیانمندش برای خلق افغانستان در اوج جنگ های تنظیمی، با دقت موشکافی و راه های منطقی و عملی جلوگیری از آن را جسورانه ارائه می کرد. در همه احوال زنده یاد «رهبر» از موضع فکری - سیاسی سازمان و متکی بر اصول و خط انقلابی پیشرو عصر به قضایای انقلاب و معضلات استعماری برخورد می کرد.

اوضاع کنونی کشور و جهان:

در چنین حالت ابتر و وخیم، کشور اشغال شده از ما می طلبد تا اولویت در پیکار مبارزاتی ما نخست از همه رها سازی کشور و توده های تحت ستم آن از سلطه اشغالگران امریکائی - ناتوئی و ارتجاع حاکم باشد تا با هر گونه استیلاگری، ستمگری و غارتگری امپریالیست ها و عمال پلید شان مبارزه کرد. چهل سال است که زحمتکشان ما در زیر پاشنه های اجانب و جانیان بومی شان جان می کنند و عذاب می کشند. امپریالیسم جنایتکار امریکا و شرکائی جرم ناتوئی و غیرناتوئی با کشتار، جنایت و ویرانگری بی رحمانه و اعمال فشار، شکنجه، قتل و غارت، خون و آتش توسط مزدوران جهادی، تکنوکراتی، طالبی و داعشی اش در کشور ما، حضور و تحرکات اشغالگرانه دارند.

مشخصه یک دهه اخیر قرن بیست و یکم، حرکت برای خروج از جهان یک قطبی به سوی جهان دو قطبی با مراکز چندگانه قدرت است. حرکت جهانی سرمایه و شتاب فزاینده جهانی سازی این حرکت همراه با رقابت و تقابل خطرناک قدرت های امپریالیستی برای بازار سرمایه گذاری و مناطق نفوذ، موجب راه اندازی تقابل خونین و جنگ ها و تهاجمات منطقه نی بوده است. این جنگ ها و تنش منطقه نی، مناطقی از جهان از جمله خاور میانه، آسیای میانه، شمال افریقا، شرق دور و امریکای مرکزی را به کانون های داغ مورد نزاع امپریالیسم جنگ افروز و متجاوز امریکا با سائر دول امپریالیستی مثل روسیه، چین و در برخی موارد دول عضو اتحادیه امپریالیستی اروپا و قدرت های نوظهوری مثل ترکیه، ایران، هند و... مبدل کرده است. این جنگ ها، تجاوزات و تقابل خونین منجر به کشته و آواره شدن میلیون ها انسان و میلیارد ها دالر خسارات از طریق جنگ های تجاوزی و نیابتی در کشور های افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لیبیا، جمهوریت های افریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، مالی، نیجریه، سومالی، سودان جنوبی، ونزوئلا و ایران شده است. این کشور های نامبرده به میزان های متفاوتی به میدان نبرد رقابت های ژئوپولتیک و تاخت و تاز دول و قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی و مزدوران و عوامل داخلی آن ها قرار گرفته است. علاوه از تحریم های اقتصادی وضع شده بر برخی کشور ها و تحمیل فقر و فاقگی بر خلق ها، انواع سلاح های کشتار جمعی و آلاینده محیط زیست از طرف امریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، آلمان و چین به این کشور ها سرازیر می شود. آتش این جنگ ها چنان زبانه می کشد که کشور های پیرامونی را ویران و خلق های تحت ستم را در فقر و گرسنگی، بد امنی، بیکاری و احتیاج رشد یابنده فرو برده و آن کشور ها را امواج حمله یغماگرانه و چپاول حسابگرانه دول متجاوز و مهاجم

و مداخله گر قرار داده است. نظام های ارتجاعی وابسته و دست نشانده در چنین کشور ها به خاطر بقای خود، ملت ها و خلق های دربند و اسیر را قربانی منافع پلید امپریالیست های متجاوز می کنند.

اوضاع جهان، نه فقط خلق افغانستان را، بلکه تمام بشریت را بر سر دو راهی سرنوشت سازی قرار داده است: به هر حال انسان امروز در برزخ حملات امپریالیست ها دست و پا می زند. عبور از این برزخ، شاق ترین، رنج آور ترین و بلاهت خیز ترین دورانی است که رهروان خط فکری «مجید» و «قیوم رهبر»، روشنگران، روشنفکران، مبارزان آگاه؛ طلایه دران آزادی و آبادی، ترقی و رفاه همگانی را به اتحاد دعوت می کند. بر کلیه این نیرو ها و تشکل هاست تا تحت یک قیادت و سازماندهی در زیر لوای مبارزاتی و حول تشکل های منسجم و منضبط متشکل شوند تا با مبارزه خستگی ناپذیر و نبرد سهمگین با فجایع ناشی از تجاوز و عملکرد های نظام سرمایه داری خاتمه دهند. فقط از این راه است که در نابودی این نظام ضد بشریت از طریق انقلاب در تغییر مسیر جامعه بشری به سوی فردای روشن به جنگ تاریکی، متجاوز و هر جنایتکاری بشتابند و پیام دوستی و همزیستی انسان ستمدیده این مرز و بوم را به گوش همه زحمتکشان ملل جهان معاصر برسانند. اینست وجیه تخطی ناپذیر هر سامائی و هر انقلابی و آرایخواه در مسیر راه پیموده شده با گام های متین «مجید»، «رهبر» و سائر رهروان رفته انقلابی که با ضمیری روشن، با اراده ای آهنین و با مبارزه ای خستگی ناپذیر راه آنان را ادامه دهند.

همان طور که در فوق آمد، فقط چنگ زدن به اندیشه انقلابی، تعهد به آرمان و تجمع در سازمان بزرگان انقلابی و ادامه راه شان؛ یگانه معیار و محک عملی ایست که صادق را از کاذب متمایز می سازد.

زنده و جاوید باد نام و پررهور باد راه انقلابی «رهبر»!

نابود باد همه دشمنان مردم افغانستان!